

تحلیل رقابت‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا و چین در خاورمیانه در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳

*حسین کریمی فرد

دانشیار گروه علوم سیاسی، واحداهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۷ دی ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۱۵ اسفند ۱۴۰۲

چکیده

چین و ایالات متحده آمریکا به‌عنوان دو قدرت بزرگ دارای روابط رقابت‌آمیز در حوزه‌ها و موضوعات سیاسی و اقتصادی هستند. دوره زمانی از ابتدای ریاست‌جمهوری بایدن تا سال ۲۰۲۳ در نظر گرفته شده است. هدف از نگارش این مقاله بررسی سیاست آمریکا و چین در منطقه خاورمیانه براساس مفهوم «رقابت» است. در این مقاله به دنبال پاسخ هستیم که چین و آمریکا در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ چه سیاستی را در خاورمیانه پیگیری می‌کنند؟ فرضیه این پژوهش که تلاش می‌شود با متدولوژی تحلیلی و تبیینی به آن پاسخ داده شود این است که سیاست آمریکا در خاورمیانه بر حمایت از اسرائیل، نفت و ترانزیت انرژی، تهدیدانگاری ایران و فروش تسلیحات استوار است. بنابراین از سیاست ایجاد تنش بین کشورهای این منطقه حمایت می‌کند، اما سیاست چین در این منطقه بر ایجاد رابطه سیاسی و اقتصادی با دشمنان آمریکا (مانند ایران) و جداکردن متحدان مردم و بی‌اعتماد به آمریکا (مانند عربستان، امارات متحده عربی و قطر) و مشارکت اقتصادی با آن‌ها و دسترسی به بازار نفت‌وانرژی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اعتماد به نفس چین برای رقابت با آمریکا در منطقه خاورمیانه در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ افزایش یافته است. بنابراین خواستار افزایش نفوذ خود در این منطقه است.

کلیدواژه‌ها:

آمریکا، چین، خاورمیانه،
رقابت، طرح امنیت جهانی
چین.

* نویسنده مسئول:

دکتر حسین کریمی فرد
نشانی:

دانشیار گروه علوم سیاسی،
واحداهواز، دانشگاه آزاد اسلامی،
اهواز، ایران

پست الکترونیک:

hkarimifard@iau.ir

استناد به این مقاله:

کریمی فرد، حسین (۱۴۰۲). تحلیل رقابت‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا و چین در خاورمیانه در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۵(۴)، ۱۳۷-۱۶۲.

۱. مقدمه

منطقه خاورمیانه به‌ویژه خلیج فارس از مناطق نفوذپذیر در جهان محسوب می‌شود. در طول تاریخ قدرت‌های بزرگ با راهبرد و سیاست‌های مختلف با نفوذ در این منطقه تلاش می‌کردند، علاوه بر تسلط بر این منطقه رقبای خود را نیز کنترل کنند. بیش از نیم قرن است که ایالات متحده آمریکا با سیاست‌ها و راهبردهای مختلف بر این منطقه مسلط شده است. از سوی دیگر، حدود دو دهه است که چین نیز در پی گسترش نفوذ خود در این منطقه است. سیاست امنیتی آمریکا در دوران جنگ سرد بر مبنای تهدیدانگاری کمونیسم و جلوگیری از نفوذ شوروی به منطقه خلیج فارس سازماندهی شد. وقوع انقلاب اسلامی و استقرار یک نظام سیاسی ضد استکباری در ایران سبب شد، جمهوری اسلامی به‌عنوان یک تهدید علیه منافع و امنیت ملی آمریکا قلمداد شود. بنابراین طراحی سیاست‌های امنیتی این کشور در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه بر مقابله و رویارویی با این تهدید صورت گرفت. این سیاست از سال ۱۹۷۹ تاکنون ادامه داشته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مقابله با تهدید ایران، کانون اصلی سیاست امنیتی آمریکا در خاورمیانه بوده و حمایت از اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس برای مقابله با ایران سازماندهی شد. تضعیف تدریجی مواضع آمریکا در منطقه، روندی بلندمدت داشته است و مدت‌ها پیش از خروج آمریکا از افغانستان در سال ۲۰۲۱ شروع است. در زمان ریاست جمهوری اوباما، سیاست «محور آسیایی»^۱ اعلام شد. بنابر این سیاست آمریکا برای انتقال تدریجی تمرکز سیاست خارجی به منطقه آسیا و اقیانوسیه و کاهش حضور آمریکا در خاورمیانه و اروپا آماده می‌شد. این سیاست در دوره دونالد ترامپ و بایدن ادامه یافت. هدف دولت بایدن در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا به‌ویژه بعد از تهاجم روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، اصلاح روابط با عربستان سعودی، تشویق این کشور برای صدور بیشتر نفت به بازار جهانی، نزدیک‌تر کردن آن به اسرائیل و احیای جایگاه آمریکا در منطقه خاورمیانه است.

چین در ابتدا تحولات و رویدادهای خاورمیانه را بیشتر از دریچه ایدئولوژی انقلابی می‌نگریست. خاورمیانه و شمال آفریقا به‌طور سنتی خارج از حوزه منافع چین بوده است. فاصله جغرافیایی، تماس‌های سست تاریخی، تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی و زبانی همه در کاربست این سیاست نقش داشته‌اند. روابط گسترده‌ای که چین در سراسر منطقه خاورمیانه

1. Pivot to Asia

و شمال آفریقا برقرار کرده است نسبتاً جدید است. در اوایل دهه ۱۹۸۰، پس از اصلاحات و سیاست «گشایش درها» دنگ شیائوپینگ، چین شروع به جست‌وجوی شرکای جدیدی کرد که بتوانند نیاز فزاینده به منابع انرژی را برآورده کنند. از این رو کشورهای خلیج فارس در کانون توجه چین قرار گرفتند (Rozsa, 2022). روابط این کشور با کنشگران سیاسی در خاورمیانه بیشتر براساس منافع انرژی و تجاری سامان یافت. این کشور نیاز شدید و فزاینده‌ای به انرژی و منابع طبیعی برای حفظ رشد اقتصادی دارد.

در این مقاله می‌خواهیم سیاست‌های آمریکا و چین در منطقه خاورمیانه با روش‌شناسی تحلیلی و تبیینی و در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ را بررسی کنیم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قدرت، نفوذ و ظرفیت آمریکا به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ روندی کاهشی داشته است. توانمندی و قدرت ایالات متحده آمریکا در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کاهش یافته است. در مقابل قدرت، توانمندی و ظرفیت چین در همین دوره، روندی صعودی گرفته است. چین به‌عنوان یکی از قدرت‌های در حال ظهور برای ایجاد و گسترش حوزه نفوذ در مناطق مختلف جهان به‌ویژه در منطقه خاورمیانه تلاش کرده است. این مقاله شامل پیشینه پژوهش، مفهوم رقابت، روش پژوهش، سیاست خارجی بایدن، سیاست ضد چینی بایدن در خاورمیانه، نقد سیاست خارجی آمریکا، سیاست خارجی چین، مفهوم طرح امنیت جهانی چین، سیاست اقتصادی چین، سیاست نظامی و امنیتی چین در خاورمیانه، تلاش برای ایجاد نظم امنیتی جدید در خاورمیانه و نتیجه‌گیری است. روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، کتابخانه‌ای و استفاده از منابع و مقالات اینترنتی است. رویکرد پژوهش تحلیلی و تبیینی و روش تحلیل داده‌ها کیفی است.

۲. پیشینه پژوهش

شرفخانی و همکاران در مقاله «راهبرد اقتصادی چین در رقابت هژمونیک با آمریکا در خاورمیانه» می‌گویند چین با توجه به تلاش ایالات متحده برای تشکیل جبهه تجاری یکپارچه برای مقابله با دولت این کشور و به‌منظور کاهش ریسک امنیت انرژی خود، توجه به امنیت فناوری را با هدف قراردادن رشد در سلسله‌مراتب زنجیره ارزش و کسب جایگاه در عالی‌ترین سطوح آن مدنظر قرار داده است. در این مقاله تأکید بر رقابت اقتصادی با تأکید بر زنجیره ارزش جهانی است. شهروز ابراهیمی و فاطمه رضایی (۱۳۹۱) در مقاله «سیاست خاورمیانه‌ای چین و رقابت با آمریکا»، متغیرهای

اثرگذار بر سیاست خاورمیانه‌ای چین را بررسی می‌کنند. آن‌ها وابستگی انرژی چین به خاورمیانه و حمایت از ثبات در خاورمیانه را متغیرهای مؤثر در سیاست خاورمیانه‌ای چین می‌دانند. این مقاله از لحاظ زمانی و کاربردی چارچوب مفهومی با پژوهش حاضر متفاوت است.

محمدرضا فرهمند و همکاران در مقاله «رقابت هژمونیک آمریکا با چین و تأثیر آن بر جریان انرژی و نفت در جهان»، نقطه مشترک در تقابل هژمونیک میان آمریکا و چین در زمینه انرژی را گرایش هر دو کشور به منطقه خاورمیانه می‌دانند. برای ایالات متحده این مسئله جدیدی نیست، اما گرایش روزافزون چین برای مقابله با تهدید امنیت انرژی، اهمیت زیادی دارد، زیرا چین از این راه می‌خواهد نفوذ خود در سایر حوزه‌ها را نیز اعمال کند. رویکرد نویسندگان در این مقاله تأکید بر موضوع انرژی و توجه به هژمونی است. جورج برازیسکی در مقاله «رقابت ایالات متحده و چین: خطرات و ادراک کردن کشورها به جانب‌داری»^۲ می‌گوید کشورها با تشدید رقابت چین و آمریکا نگران وضعیت خود هستند. از دیدگاه او عرصه اصلی رقابت بین دو کشور در آسیا است. او به آمریکا توصیه می‌کند اجبار کشورهای آسیایی برای انتخاب یک طرف در نهایت می‌تواند، نتیجه معکوس داشته باشد و ایالات متحده در این رقابت جهانی را تضعیف کند. تمایز اصلی مقاله حاضر تأکید بر مفهوم رقابت چین و آمریکا در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ در منطقه خاورمیانه است.

۳. چارچوب مفهومی رقابت

اصطلاح «رقابت» در عام‌ترین کاربرد، همان‌طور که در مورد سیاست جهانی به کار می‌رود، به‌طور جدی تعریف نشده است. تقریباً تمام نظریه‌های روابط بین‌الملل معتقدند که بین دولت‌ها در جاتی از رقابت وجود دارد. بیشتر نظریه‌ها رقابت بین کنشگران را بدیهی فرض می‌کنند. مفهوم رقابت معنای عامیانه خاصی دارد: مسابقه‌ای که در آن دو یا چند نفر یا گروه برای یک نتیجه یا جایزه مشترک مبارزه می‌کنند. رقابت در عرصه بین‌المللی به‌طور کلی می‌تواند با حضور سه عنصر اساسی تعریف شود: نخست، باید برخی اختلافات قابل اندازه‌گیری یا درک شده وجود داشته باشد یا شرکت‌کنندگان باید خود را به‌عنوان رقیب ببینند. دوم، شرکت‌کنندگان باید به دنبال افزایش قدرت یا موقعیت خود در رابطه با یکدیگر باشند.

2. U.S.-China Rivalry: The Dangers of Compelling Countries to Take Sides

سوم، چیزی که شرکت‌کنندگان در مورد آن با مشکل مواجه هستند، باید عرضه محدود یا قابل توجه باشد. با توجه به این سه گزاره، رقابت چنین تعریف می‌شود: «تلاش برای به‌دست‌آوردن مزیت‌های مورد مناقشه مانند قدرت، امنیت، ثروت، نفوذ و موقعیت که اغلب تصور می‌شود توسط دیگران مورد چالش یا تهدید واقع شده‌اند». (Mazarr, 2022: 3-5)

رقابت بین دولتی است که منافع اساسی خود را در معرض تهدید توسط طرف مقابل می‌بینند. حالت رقابت فقط در جا و زمانی وجود دارد که منافع دوطرف در تضاد باشند و دستاوردهای طرف مقابل را تهدید کند (McDonald, 2020: 5). رقابت بین دولتی‌ها بیشتر برای به حداکثر رساندن قدرت یا نفوذ است. رقابت‌های آشکارتر بین دولتی‌ها است که به دنبال رهبری نظام هستند. مفهوم رقابت که امروزه بیش از همه مورد بحث است، تشکیل ائتلاف‌هایی برای به‌دست‌آوردن مزیت کوتاه از جنگ بزرگ است. این دسته‌بندی‌ها به تمایز مهمی اشاره می‌کنند: رقابت در ابتدایی‌ترین شکل خود یک شرط یا موقعیت است، نه یک سیاست یا راهبرد. واقعیت اساسی نظام بین‌الملل این است که کشورها به روش‌های مختلف، برای جاه‌طلبی‌ها رقابت می‌کنند. وجود رقابت بین‌المللی می‌تواند به معنای نیاز یک قدرت بزرگ برای کاهش تعهدات اصلی خود و اجتناب از گسترش بیش از حد در مسائل پیرامونی برای حفظ قدرت برای رقابت اصلی باشد (Mazarr, 2022: 3-5).

پژوهشگران واقع‌گرای سیاست جهانی معتقدند که رقابت، واقعیت اساسی زندگی در نظام بین‌المللی است. برخی به ماهیت انسانی اشاره می‌کنند. برخی دیگر، بر نقش یک سیستم بین‌المللی تأکید می‌کنند. دولت‌های بدون اقتدار مرکزی به شدت به انگیزه‌های دیگران مشکوک می‌مانند و مناسبات آن‌ها پر از ویژگی‌ها، سوءتفاهم و در نهایت درگیری است. «دولت‌ها مداوم و به شکل‌های مختلف به دنبال منافع خود هستند. رقابت زمانی ایجاد می‌شود که منافع یک گروه سیاسی به شکلی با منافع گروه دیگر در تعامل باشد. این تعاملات در محیطی پویا انجام می‌شود. هر حرکتی که یک بازیگر برای تحقق منافع انجام می‌دهد، اکوسیستم را تغییر می‌دهد» (Mearsheimer, 2001: 2-4). رقابت زمانی است که دو بازیگر در نظام بین‌الملل منافع با اولویت بالا ناسازگار دارند و یک یا هر دو بازیگر رفتاری انجام می‌دهند که برای منافع دیگری مضر است. همان‌طور که از این اصطلاح پیداست، منطقه خاکستری شکلی از رقابت است که با ابهام در مورد بازیگران درگیر، ماهیت درگیری و سیاست‌ها و چارچوب‌های قانونی مربوطه همراه است. بازیگران تجدیدنظر طلب برای افزایش

قدرت نسبی خود در سیستم جهانی درگیر فعالیت‌ها در منطقه خاکستری هستند.» (Burkhart-Woody, 2017:21) ایده منطقه خاکستری به درک ما از محیط عملیاتی با توجه به موضوع مورد مناقشه کمک می‌کند.

۴. سیاست خاورمیانه‌ای بایدن

ایالات متحده آمریکا نقش اصلی را در شکل دادن به نظم خاورمیانه پس از جنگ جهانی دوم داشت؛ اما حضور آن در منطقه به‌وضوح در دهه گذشته کاهش یافته است. نقطه عطف مهم برای ایالات متحده، گسترش چشمگیر تولید نفت و گاز طبیعی در ایالات متحده از دهه ۲۰۱۰ بود که ناشی از توسعه ذخایر داخلی شیل از حدود سال ۲۰۰۶ بود. در سال ۲۰۱۴، ایالات متحده از عربستان سعودی و روسیه پیشی گرفت و به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان تبدیل شد و دیگر نیازی به اتکا به خاورمیانه برای تأمین انرژی پایدار نداشت. بازار اوپاما، رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۱۱ در یک سخنرانی در پارلمان استرالیا، سیاست خارجی جدیدی را برای حضور بیشتر خود در آسیا و اقیانوسیه اعلام کرد. خروج ایالات متحده از افغانستان و تصاویر بازگشت طالبان در خیابان‌های کابل، داستان خروج ایالات متحده از منطقه را بازگو می‌کند. علاوه بر این، توانایی بشار اسد برای حفظ قدرت در سوریه، با حمایت ایران و روسیه، برای متحدان آمریکا نیز تصویر آرامش‌بخشی نبود. بحران انسانی در یمن و ناتوانی یا شاید بی‌تفاوتی آمریکا نیز نشانه ضعف و بی‌توجهی به منطقه خاورمیانه برآورد شد. همه این‌ها به‌خلاف قدرتی منجر شد که اکنون چین در حال پرکردن آن است. (Sameer, 2023) سیاست ترامپ در منطقه خاورمیانه بر تقویت اتحاد با اسرائیل، فشار حداکثری بر ایران و حفظ اتحاد با عربستان سعودی متمرکز بود. تلاش برای مطرح کردن و پیگیری توافق نامه ابراهیم که بر عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل و محدود و منزوی کردن ایران تأکید داشت از اهداف اساسی سیاست ترامپ در خاورمیانه محسوب می‌شد.

راهبرد امنیت ملی آمریکا در دوره بایدن بر دو مؤلفه اساسی تأکید می‌کند: تنش‌زدایی نظامی و یکپارچگی منطقه‌ای. دخالت نظامی ایالات متحده منجر به دموکراسی در منطقه نمی‌شود؛ بنابراین بر طرح قابل دستیابی مثل ایجاد ثبات و حفظ منافع ملی تأکید می‌شود. (US Strategy Security National 2022). این سند پنج اصل را برای هدایت سیاست ایالات متحده در خاورمیانه مطرح می‌کند: ۱. ترویج نظم مبتنی بر قوانین؛ ۲. آزادی کشتیرانی در خلیج فارس و حفاظت از حاکمیت ملی؛ ۳. تعهد به حل منازعات با دیپلماسی؛ ۴. ارتقای یکپارچگی

منطقه‌ای در جبهه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی؛ ۵. ارتقای دستور کار حقوق بشر. از دیدگاه بایدن برای حفظ ثبات در منطقه بازسازی اعتماد میان واشینگتن با متحدان قدیمی اهمیت داشته تا شرکای منطقه‌ای متقاعد شوند که ایالات متحده نمی‌خواهد از مسئولیت خود در قبال امنیت و ثبات منطقه دور شود. به بیانی، بایدن در قالب یک دیپلماسی جدید نسبت به کشورهای خاورمیانه روابط جدیدی را آغاز و مسئولیت بیشتری را در قبال امنیت آن‌ها خواهد پذیرفت. اساس این هدف، اطمینان‌یافتن از این بود که هیچ قدرت خارجی نتواند بر جایگاه ایالات متحده در منطقه تسلط یابد یا به مزایای راهبردی دست یابد. بایدن در ایجاد فرصتی جدید برای ایالات متحده پیشبرد همکاری بین اسرائیل و کشورهای عربی را ضروری دانسته است.

سیاست بایدن مانند گذشتگان خود، دور شدن از خاورمیانه به جای تمرکز بر فهرست بلندبالایی از موضوعات مهم‌تر مانند بهبودی از کووید ۱۹، روابط تیره با چین و روسیه و تغییرات آب‌وهوایی است. وقتی صحبت از خاورمیانه به میان می‌آید، بایدن از اصول کلی جهان‌بینی خود و برخی قوانین کلی پیروی می‌کند او به جای استفاده از قدرت، استفاده از دیپلماسی، همکاری چندجانبه با متحدان و مذاکره با دشمنان به‌عنوان ابزاری برای اقلع و ارتقای منافع ایالات متحده را ترجیح می‌دهد. او به ملاحظات حقوق بشر به‌ویژه در مورد کشورهایی مانند عربستان سعودی اهمیت بیشتری می‌داد. (Kuperwasser, 2021) این امر تا قبل از تهاجم روسیه به اوکراین بر سیاست خارجی آمریکا حاکم بود. حمله روسیه به اوکراین، سیاست حقوق بشری آمریکا در قبال عربستان و تمرکز بر چین را دچار خدشه کرد. بایدن بعد از این حمله، روسیه را به مثابه تهدیدی علیه غرب معرفی و تلاش کرد با تحکیم ائتلاف غرب در مقابل روسیه بایستد. به بیانی، جنگ اوکراین جنگ نیابتی آمریکا با روسیه است. بعد از این حمله سیاست بایدن در قبال عربستان تغییر کرد. با توجه به تحریم روسیه توسط غرب و محدود شدن انتقال انرژی این کشور به اروپا، نیاز به نفت و گاز کشورهای خلیج فارس به شدت احساس شد. بنابراین سیاست طرد کردن عربستان توسط بایدن به سیاست نزدیک شدن، بازسازی و احیای رابطه با این کشور در دستور کار قرار گرفت.

بایدن تلاش کرد با سفر به منطقه خاورمیانه، ارائه سیاست‌های امنیتی و دادن وعده‌های مختلف، بی‌اعتمادی کشورهای عربی را از بین ببرد و حاکمان سعودی را به حداکثرسازی تولید انرژی وادار کند. «کاخ سفید برای اطمینان‌دادن به متحدان خود سفرهایی را به‌عنوان اولین گام برای بازسازی اعتماد در منطقه تدارک دید. همچنین آمریکا برای ضربه‌زدن به اعتبار فزاینده چین،

تلاش می‌کند شرکای منطقه‌ای خود را راضی کند که این کشور نمی‌خواهد از مسئولیت خود در قبال امنیت و ثبات منطقه شانه خالی کند». (Aboudouh, 2022) هدف سیاست خارجی بایدن جلوگیری از ایجاد خلأ در خاورمیانه در پی تقویت روابط با قطر و امارات متحده عربی است. از دیدگاه بایدن قطر شریکی قابل اعتماد و توانمند و متحد اصلی غیر عضو در پیمان ناتو است. فروش تسلیحات و انعقاد پیمان‌های نظامی، تقویت همکاری تجاری و سرمایه‌گذاری از جمله قرارداد ۲۰ میلیاردی با شرکت بویئینگ برای خرید هواپیما در این چارچوب تحلیل می‌شود. همچنین سیاست آمریکا در قبال امارات، پیشبرد توافق ابراهیم و تلاش برای ایجاد و تقویت روابط اسرائیل و امارات است. همچنین آمریکا بر همکاری امنیتی و مشارکت راهبردی با امارات، سرمایه‌گذاری اقتصادی و امنیت انرژی در منطقه خلیج فارس تأکید دارد.

بایدن در سفر ۱۳ تا ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۲ به خاورمیانه، می‌خواست نشان دهد که ایالات متحده در آینده پیش‌بینی‌پذیر از خاورمیانه خارج نخواهد شد. او در اجلاس سران عرب اعلام کرد که ایالات متحده از منطقه خارج نمی‌شود تا «خلأیی» ایجاد شود و چین، روسیه یا ایران آن را پر کنند. (Forough, 2022) او برای «تنظیم دوباره روابط با متحدان، برای مدیریت تنش‌ها با ایران، حمایت از همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای و مدیریت رقابت ژئوپلیتیکی در خلیج فارس تلاش می‌کند که همه به نفع شرکای بریتانیایی و اروپایی آمریکا است». (Vakil, 2022) سیاست‌مداران آمریکایی می‌خواهند با تهدیدانگاری ایران، احساس ناامنی را به کشورهای حاشیه خلیج فارس تسری دهند و ایران را تهدید مشترکی برای سایر کنشگران معرفی کنند. تهدیدات امنیتی مشترک که شامل موشک‌ها و پهپادهای ایرانی می‌شود، سبب همگرایی منافع و همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای می‌شود. آنچه با توافق‌نامه سوریه در سپتامبر ۲۰۲۰ آغاز شد، توافق‌های عادی‌سازی امارات و بحرین با اسرائیل، اکنون راه را برای هماهنگی چندجانبه منطقه‌ای گسترده‌تر هموار می‌کند. بر این اساس، ایالات متحده و کشورهای منطقه می‌خواهند یک شبکه دفاع هوایی منطقه‌ای را سازماندهی کنند و بایدن با حمایت از تعامل عمومی و رسمی اسرائیل و عربستان به عادی‌سازی روابط آن‌ها کمک کند (Vakil, 2022). آمریکایی‌ها می‌خواهند بر نقش ایران در منطقه و پیشبرد برنامه هسته‌ای آن به‌عنوان منبع اصلی ناامنی منطقه تأکید کنند و از این راه با ایجاد احساس ناامنی بتوانند کشورهای عربستان و امارات متحده عربی را به خرید تسلیحات بیشتر و ایجاد اتحاد و ائتلاف با اسرائیل ترغیب کنند. اما «کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان و امارات اعلام کردند که نمی‌خواهند به یک اتحاد ضدایرانی بپیوندند. از دیدگاه سعودی‌ها

ناتوی عربی علیه ایران نیست و این پادشاهی می‌خواهد روابط با ایران را عادی کند. امارات نیز با فرستادن سفیر به ایران در پی بازسازی روابط خود با ایران است». (Forough, 2022).

۴-۱. سیاست ضدچینی آمریکا در خاورمیانه

بایدن پس از به قدرت رسیدن، تلاش می‌کند با راه‌اندختن جنگ سرد علیه چین، دموکراسی و ارزش‌ها را بستر اصلی درگیری در رویارویی با این کشور قرار دهد. از دیدگاه بایدن سیاست رویارویی با چین باید براساس محور دموکراسی و حقوق بشر ساخته شود. بایدن در به اصطلاح جنگ سرد جدید که ایالات متحده آمریکا می‌کوشید علیه چین راه بیندازد دموکراسی و حقوق بشر را به‌عنوان بستر اصلی ائتلاف و اتحادها ترویج می‌کند. اما تهاجم روسیه به اوکراین و ضرورت مقابله با این تهدید سبب شد آمریکا بر تضعیف روسیه و تلاش برای شکست پوتین در این بحران تمرکز کند.

در عرصه تحولات جدید سیاست بین‌الملل، رقابت برای ایجاد راه‌گذرهای جدید اقتصادی در مناطق راهبردی تشدید شده است. آمریکا و چین تلاش می‌کنند پرچمداری این رقابت جهانی را بر عهده بگیرند. آمریکا تمام تلاش خود را برای شکست چین در طرح «یک کمربند، یک راه» می‌کند. رئیس‌جمهور آمریکا و دیگر رهبران گروه ۲۰ برای مقابله با نفوذ فزاینده چین، روز شنبه از یک طرح زیرساختی بین‌المللی بزرگ برای اتصال هند، خاورمیانه و اروپا از مسیر راه‌آهن، خطوط کشتیرانی، کابل‌های داده پرسرعت و خطوط لوله انرژی خبر دادند. دولت بایدن که در سیاست‌گذاری امنیت ملی، چین را در جایگاه دشمن فرض می‌کند، می‌کوشد تا جلوی جاه‌طلبی چین را تا حد ممکن بگیرد. استفاده از هند و پیشنهاد برای ایجاد یک خط ترانزیتی برای اتصال هند به خاورمیانه و سپس اروپا می‌تواند تا حد زیادی سبب ایجاد چالش برای طرح بزرگ یک کمربند و یک راه چین شود.

آمریکا حضور و نفوذ چین در خاورمیانه را خطری برای منافع خود می‌داند و تلاش می‌کند با ابزارهای مختلف با آن مقابله کند. «ژنرال مکنزی، فرمانده نیروهای مسلح ایالات متحده (سنتکام) در سخنرانی در کمیته امور نیروهای مسلح سنا، توجه را به نفوذ اقتصادی فعال جمهوری خلق چین به منطقه خاورمیانه از جمله طرح چینی یک کمربند و یک راه جلب کرد. ارتش آمریکا به‌ویژه از توافق ایران و چین در زمینه همکاری اقتصادی برای یک دوره ۲۵ ساله که براساس آن چین در ازای تخفیف نفت ایران در اقتصاد و زیرساخت‌های ایران سرمایه‌گذاری

خواهد کرد، اظهار نگرانی کرده است. در این توافق‌نامه همکاری این دو کشور در حوزه نظامی پیش‌بینی شده است (Batyuk Morozov, 2022). قرارداد مشارکت اقتصادی و راهبرد گسترده ۲۵ ساله به‌عنوان سنگری در برابر تحریم‌های آمریکا برآورد می‌شود که شامل کمک به توسعه صنایع نظامی و هسته‌ای، ظرفیت‌های سایبری و همکاری‌های اقتصادی است.

از دیدگاه آمریکایی‌ها، چینی‌ها یا روس‌ها بعید است بتوانند نیاز امنیتی کشورهای خاورمیانه به‌ویژه حاشیه خلیج فارس را تأمین کنند. زیرساخت‌های نظامی کشورهای عربی خلیج فارس بنابر مدل آمریکایی طراحی شده است و چین و روسیه سطح یکسانی از تسلیحات را ارائه نمی‌کنند. بعد از میانجیگری چین بین ایران و عربستان رابرت اس فورد، سفیر پیشین ایالات متحده در سوریه گفت: «هر زمان که دشمن ما به هر نحوی در هر نقطه از جهان سودی به‌دست آورد، به‌طور خودکار یک ضرر برای ایالات متحده است (تفکر بازی با حاصل جمع صفر). این امر توانایی چین برای وادار کردن تهران و ریاض به کاهش تنش را نشان می‌دهد، اما «این‌گونه نیست که کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌خواهند آمریکایی‌ها را بیرون کنند، بلکه سعودی‌ها، اماراتی‌ها و قطری‌ها هنوز به‌شدت مشتاق حفظ روابط نظامی با ایالات متحده هستند» (Toosi Kine, 2023)

۴-۲. سست شدن اتحاد بین آمریکا و متحدان عرب در خاورمیانه

بعد از انفعال آمریکا در حمایت از متحدانی مانند مصر در انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۲ و سقوط آن‌ها در بیداری اسلامی و به قدرت رسیدن گروه‌هایی مانند اخوان المسلمین، بسیاری از کشورهای متحد این کشور مانند عربستان، امارات متحده عربی، قطر نسبت به وعده‌ها و سیاست‌های امنیتی آمریکا بی‌اعتماد شدند. حمایت نکردن آمریکا از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس سبب شد که این کشورها به سایر قدرت‌های بزرگ مانند چین و روسیه نزدیک شوند. «ناکامی ایالات متحده در پرداختن به ادراکات فزاینده در مورد تعهد آینده به ثبات و امنیت منطقه‌ای، شرایط مناسبی به پکن داده است تا ایالات متحده را به‌عنوان شریکی غیرقابل اعتماد در نظر قدرت‌های منطقه‌ای معرفی کند. اضطراب غالب در میان این کشورها از احساس ناامنی سرچشمه می‌گیرد» (Aboudouh, 2022) احساس بی‌اعتمادی با خروج فاجعه‌آمیز ایالات متحده از افغانستان و واکنش محدود ایالات متحده به حملات مکرر هواپیماهای بدون سرنشین و موشکی حوثی‌ها به عربستان سعودی و ابوظبئی بدتر شد. (Vakil, 2022)

در داخل آمریکا نیز سیاست خروج از افغانستان و بی‌توجهی به متحدان در خلیج فارس سبب نقد سیاست خارجی بایدن شده است. کمیته سیاست‌گذاری جمهوری خواهان سنای ایالات متحده^۳ از منتقدان اصلی سیاست بایدن در قبال متحدان در خاورمیانه و خلیج فارس است. «سیاست بایدن، نفوذ آمریکا را در خاورمیانه کاهش داده و فرصتی برای روسیه و چین ایجاد کرده است. عقب‌نشینی ناموفق از افغانستان، محدود شدن فروش تسلیحات، پیگیری سیاست مذاکره با ایران (برجام)، و پذیرش دیر هنگام توافق‌نامه آبراهام، روایتی از کناره‌گیری ایالات متحده از خاورمیانه ایجاد کرده است. حتی سفر بایدن به خاورمیانه در سال ۲۰۲۲ این تصور را تغییر نداد. ایالات متحده برای دستیابی به منافع و امنیت ملی خود فراتر از اقیانوس هند و اقیانوس آرام، مانند جلوگیری از گسترش جهادگرایی و جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای^۴ باید به شرکای خود در منطقه تکیه کند». همچنین دولت بایدن قرارداد تسلیحاتی با عربستان سعودی و امارات متحده عربی را به تعویق انداخت و از استقرار سیستم‌های پدافند هوایی عقب‌نشینی کرد. خروج بایدن از افغانستان، این نگرانی را تأیید کرد که او می‌خواهد متحدان ما را برای دستیابی به هدف سیاسی خود رها کند. با وجود هشدارها مبنی بر سقوط افغانستان بدون حمایت متحدان، رئیس‌جمهور تصمیم به خروج از این کشور گرفت. این اقدام متحدان ما در خاورمیانه را ناامید کرد و نشان داد که دولت بایدن از آسیبی که می‌تواند به تلاش‌های ضد تروریسم در منطقه وارد کند نگران نیست» (The United States Senate Republican Policy Committee, 2022).

تلاش ایالات متحده برای تمرکز بر چین، خروج از خاورمیانه و حرکت به سمت آسیا و اقیانوسیه، هزینه زیادی برای هژمون جهانی به همراه داشته است. هر متحد آمریکا در منطقه اکنون با ایجاد تعادل در یک هم‌سویی ژئوپلیتیکی که به‌تازگی در حال توسعه است، به‌دنبال خودمختاری راهبردی است. اتکا به توافق‌نامه سال ۲۰۲۰ آبراهام برای تشکیل ترتیبات امنیتی جدید منطقه‌ای به دلیل بی‌میلی متحدان خلیج فارس آمریکا برای همکاری با دولت انعطاف‌ناپذیر نتانیاهو در اسرائیل در سال ۲۰۲۲ با مشکل مواجه شده است. از سوی دیگر، چین با میانجیگری بین دو قدرت منطقه‌ای (ایران و عربستان)، نفوذ سیاسی و دیپلماتیک خود را در منطقه افزایش داده است. این توافق ممکن است در منطقه خاورمیانه سبب آرامش شود و

3. The United States Senate Republican Policy Committee

4. در حالی که مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند که سلاح‌های هسته‌ای در رهنامه دفاعی ایران نیست و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران را تأیید کرده است.

حضور چین را نیز در جهان اسلام تضمین کند.

۵. تبیین سیاست خاورمیانه‌ای چین

سیاست خاورمیانه‌ای جمهوری خلق چین بر اساس سند «همکاری توسعه بین المللی چین در عصر جدید» که توسط دفتر اطلاعات شورای دولتی جمهوری خلق چین در ژانویه ۲۰۲۱ منتشر شد، هدایت می‌شود. تعامل با کشورهای خاورمیانه در چارچوب مفهوم یک کمربند و یک راه انجام می‌شود. این راهبرد باید در چارچوب برنامه‌های جهانی چین برای کاهش وابستگی تجاری، اقتصادی و فناوری به کشورهای غربی و زنجیره‌های تولید جهانی مورد توجه قرار گیرد (Batyuk Morozov, 2022).

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از لحاظ تاریخی بیشتر به هنجارها و ارزش‌های فرهنگی غربی عادت کرده است و قدرت هنجاری چین در این عرصه بسیار ضعیف است. با وجود افزایش نفوذ اقتصادی، جذابیت قدرت نرم چین در میان مردم منطقه خاورمیانه محدود باقی مانده است. با این حال، حضور فیزیکی مردم چین، چه به‌عنوان کارگران طرح‌های مرتبط یک کمربند و یک راه و چه به‌عنوان دانشجو، به‌طور فزاینده‌ای دیده می‌شود. یکی دیگر از عوامل افزایش دیده‌شدن چین در منطقه خاورمیانه، رشد گردشگری چین است. همچنین فعالیت‌های قدرت نرم چین شامل تأسیس مؤسسه‌های کنفوسیوس در منطقه خاورمیانه برای ترویج فرهنگ چینی طیف گسترده‌ای از بورس‌های تحصیلی را برای دانشجویان ارائه کرده است تا در چین تحصیل کنند (Rozsa, 2022). عوامل افزایش نفوذ چین در خاورمیانه عبارت‌اند از:

- تشابه نظام‌های سیاسی (نظام‌های اقتدارگرا) کشورهای عربی خاورمیانه با نظام سیاسی چین؛
- اصل مداخله‌نکردن در امور داخلی کشورها توسط چین به بهانه نقض حقوق بشر؛
- حمایت‌نکردن چین از مخالفان کشورهای خاورمیانه؛
- عدم استقرار مخالفان نظام‌های سیاسی خاورمیانه در چین و دادن انواع پناهندگی به آن‌ها؛
- پیشینه استعماری نداشتن چین در منطقه خاورمیانه؛
- اشتراک منافع اقتصادی.

۵-۱. مفهوم طرح ابتکار امنیت جهانی چین

در ۲۱ فوریه ۲۰۲۳، وزارت خارجه چین مفهوم «ابتکار امنیت جهانی»^۵ را منتشر کرد، کاغذ سفیدی که راه حل پیشنهادی این کشور برای چالش‌ها در موضوعات امنیتی سنتی و غیرسنتی را تشریح می‌کند. طرح «ابتکار جهانی» باید به‌عنوان بیانیه‌ای در نظر گرفته شود که چین می‌خواهد نقش بسیار بیشتری در سیاست بین‌المللی داشته باشد. این دستور کار امنیتی به‌طور قابل توجهی با اصول و عملکرد قدرت‌های غربی متفاوت است و این زمینه را به عرصه جدیدی از رقابت بین هر دو طرف تبدیل می‌کند (Abb, 2023). ظهور چین به‌عنوان تأمین‌کننده امنیت جهانی ریشه در قدرت و نفوذ بین‌المللی و جاه‌طلبی بیشتر برای داشتن نقش فعال این کشور در سیاست جهانی دارد. شی جین‌پینگ طرح «ابتکار امنیتی جهانی» را به‌عنوان جایگزینی برای سیستم بین‌المللی تحت سلطه ایالات متحده در نظر گرفته است. وزارت امور خارجه چین ابتکار امنیت جهانی را چنین توضیح می‌دهد: «شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، در ابتکار امنیت جهانی از کشورها می‌خواهد با روحیه همبستگی، خود را با چشم‌انداز در حال تغییر بین‌المللی وفق دهند و با ذهنیت برد-برد به حل چالش‌های امنیتی پیچیده و درهم‌تنیده بپردازند. هدف این ابتکار حذف ریشه‌های درگیری‌های بین‌المللی، بهبود حاکمیت امنیت جهانی، تشویق تلاش‌های بین‌المللی مشترک برای تأمین ثبات و اطمینان بیشتر در عصری متغیر و ترویج صلح و توسعه پایدار در جهان است. جامعه بین‌المللی با خطرات و چالش‌های متعددی مواجه است که کمتر دیده شده است. کانون‌های امنیتی منطقه‌ای همچنان شعله‌ور می‌شوند، درگیری‌ها و آشفتگی‌های محلی مکرر اتفاق می‌افتد، یک‌جانبه‌گرایی و حمایت‌گرایی به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است و تهدیدهای امنیتی سنتی و غیرسنتی درهم‌تنیده شده‌اند» (Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China, 2023).

۵-۱-۱. مفاهیم و اصول اصلی ابتکار امنیتی چین

۱. تأکید بر امنیت مشترک، فراگیر، دسته‌جمعی و پایدار؛

۲. احترام به برابری حاکمیت، تمامیت ارضی و مداخله‌نکردن در امور داخلی کشورها؛

5. . Global Security Initiative (GSI)

۳. پایبندی به اهداف و اصول منشور ملل متحد؛

۴. ذهنیت جنگ سرد، یک‌جانبه‌گرایی و رویارویی با روح منشور ملل متحد در تضاد است و باید در برابر آن مقاومت کرد.

۵. بشریت جامعه امنیتی تفکیک‌ناپذیر است. امنیت یک کشور نباید با ایجاد ناامنی برای سایر واحدهای سیاسی یا هزینه سایر کشورها تأمین شود. همه کشورها از نظر منافع امنیتی برابر هستند. نگرانی‌های امنیتی مشروع و معقول همه کشورها باید جدی گرفته شود نه اینکه مدام نادیده گرفته شود یا به‌طور سیستمی به چالش کشیده شود. هر کشوری در حالی که امنیت خود را دنبال می‌کند، باید نگرانی‌های امنیتی دیگران را نیز در نظر بگیرد.

۶. حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین کشورها.

۵-۱-۲. کاربرد شیوه مسالمت‌آمیز برای حل مسائل منطقه خاورمیانه

در این طرح اولویت همکاری چین در خاورمیانه حل مشکلات منطقه به‌شیوه مسالمت‌آمیز و استفاده از طرح‌های فراگیر است:

- تأکید بر تحقق صلح و ثبات در خاورمیانه، از جمله حمایت از احترام متقابل، حمایت از برابری و عدالت، تقویت امنیت جمعی و تسریع در همکاری‌های توسعه،

- چارچوب امنیتی خاورمیانه با حمایت از حرکت مثبت و تلاش‌های کشورهای خاورمیانه برای تقویت گفت‌وگو و در نظر گرفتن نگرانی‌های امنیتی منطقی همه طرف‌ها و حمایت از اتحادیه کشورهای عربی و سایر کشورهای منطقه میسر است.

- جامعه بین‌الملل باید گام‌های عملی برای پیشبرد راه‌حل دو کشوری برای مسئله فلسطین بردارد و کنفرانس بین‌المللی صلح بزرگ‌تر، معتبرتر و تأثیرگذارتر تشکیل دهد تا در زمان کوتاهی به راه‌حلی عادلانه برای مسئله فلسطین دست یابد. (Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China, 2023)

این بیانیه بر تقدم حاکمیت ملی بر مداخله‌گرایی، مرکزیت سازمان ملل و چندجانبه‌گرایی بر ائتلاف‌های کوچک‌تر، اولویت بی‌طرفی بر میانجیگری اجباری و توسعه اقتصادی بر مشارکت

سیاسی تأکید می‌کند. به عبارتی جی‌اس‌آی راه‌حل‌های کاملاً چینی برای مشکلات جهانی است. مهم‌ترین نمونه حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و میانجی‌بین کنشگران مختلف در خاورمیانه توسط چین در سال ۱۴۰۱ توسط چین بین ایران و عربستان اتفاق افتاد. این دو کشور بیش از یک دهه در حوزه‌های موضوعی مختلف دچار اختلافات زیادی شده بودند. برای چین، میانجیگری میان این دو رقیب دیرینه خاورمیانه، ابعاد راهبردی و نمادین دارد. از جنبه راهبردی، پکن نیاز به حفظ جریان آزاد نفت از منطقه دارد. همچنین این توافق نماد کاهش نقش ایالات متحده در خاورمیانه و تلاش چین برای جانشینی سلطه ایالات متحده آمریکا است. اما آنچه این قرارداد در مورد نقش پکن در امور جهانی نشان می‌دهد، مربوط به ابتکار امنیت جهانی است. ابتکار امنیتی بیان‌کننده رویکرد چینی در مورد امنیت جهانی و چگونگی حل و فصل چالش‌های امنیتی جهانی و منطقه‌ای است. به بیانی، میانجیگری بین عربستان و ایران را باید در چارچوب ابتکار امنیتی چین دید.

۵-۲. سیاست اقتصادی چین در خاورمیانه

از دهه‌های گذشته، چین به منبع اصلی سرمایه‌گذاری خارجی در خاورمیانه و همچنین شریک اصلی اقتصادی برای چندین کشور خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی تبدیل شده است. پکن برای رشد سریع اقتصادی و تبدیل شدن به بزرگ‌ترین صادرکننده کالا در جهان، به نفت و گاز نیاز دارد، کشورهای عربی خلیج فارس هم برای تأمین مالی و تنوع اقتصادی به درآمدهای صادراتی نیاز دارند. بنابراین نوعی وابستگی متقابل اقتصادی بین آن‌ها در حال شکل گرفتن است. «دیپلماسی مشارکت چین با غرب آسیا بر محورهای انرژی، ابتکار یک کمربند و یک راه، سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت و فناوری متمرکز است». خاورمیانه از اجزای اصلی جغرافیایی طرح یک کمربند و یک راه در چارچوب همکاری گسترده برای حمایت از صادرات، فناوری‌های نوین و سایر صنایع سنتی و نوظهور چین است. طرح یک کمربند و یک راه تقریباً از حمایت همه کشورهای عربی برخوردار است که خطوط ساحلی آن‌ها بخش دریایی طرح را تشکیل می‌دهد که تجارت و انرژی چین را از دریای مدیترانه به دریای چین جنوبی متصل می‌کند. چین به شدت به انرژی خاورمیانه وابسته است. چین بزرگ‌ترین مشتری نفت خام عربستان و بزرگ‌ترین خریدار نفت خاورمیانه در جهان است. تولیدکنندگان خاورمیانه نیمی از کل واردات نفت چین در سال ۲۰۲۰ جای اتحادیه اروپا را به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری خلیج فارس گرفت. چین همچنین یک سرمایه‌گذار خارجی بزرگ در

منطقه است و سرمایه‌گذاری در بنادر و سایر زیرساخت‌ها به ایمن کردن مسیرهای تجاری پکن به آفریقا و اروپا کمک می‌کند.

اکنون ۲۱ کشور عربی، بخشی از طرح یک کمربند و یک راه چین^۶ هستند. امارات متحده عربی و عربستان سعودی به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم به‌عنوان اهداف برتر از نظر حجم طرح‌های ساخت و ساز چینی در طرح یک کمربند و یک راه چین قرار دارند. چین اکنون در بازسازی سوریه مشارکت دارد. هرچند روسیه در حال حاضر قدرت غالب در آن کشور است، اما نمی‌تواند با پیشینه چشمگیر شرکت‌های چینی در ساخت بنادر، جاده‌ها و خطوط راه آهن، با پشتوانه منابع مالی نامحدود، رقابت کند. در ۱۲ ژانویه ۲۰۲۳، یادداشت تفاهمی بین سفیر چین و رئیس شورای ملی سوریه در مورد مشارکت در طرح یک کمربند و یک راه امضا شد. این اقدام به‌نوعی رویارویی با سیاست‌های آمریکا در سوریه برآورد شد، زیرا واشینگتن اعلام کرده بود تا زمانی که رئیس‌جمهور بشار اسد در قدرت بماند، در بازسازی سوریه شرکت نخواهد کرد. چین توافق مشابهی با مراکش منعقد کرد. همچنین پکن ۱۰٫۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ در طرح‌های انرژی و طرح یک کمربند و یک راه در عراق سرمایه‌گذاری کرده است که سومین تأمین‌کننده بزرگ نفت چین پس از عربستان سعودی و روسیه است. مصر نیز ایستگاه مهمی برای این طرح است. دو کشور در سال ۲۰۱۸ چندین قرارداد به ارزش ۱۸ میلیارد دلار امضا کردند. پکن در طرح‌های زیربنایی مختلف، از جمله پایتخت اداری جدید قاهره و منطقه توسعه اقتصادی و فناوری در منطقه اقتصادی کانال سوئز مصر مشارکت دارد. در مجموع، چین ۲۱ کشور عربی را به طرح یک کمربند و یک راه، طرح چند تریلیون دلاری خود ملحق کرده است. چین تاکنون بدون واردشدن به رویارویی آشکار با ایالات متحده، موقعیت مسلط خود را در خاورمیانه تثبیت کرده است. با این حال، کشورهای حاشیه خلیج فارس بخشی از درآمد خود را از فروش نفت به رهن می‌گذارند تا وام‌های چین را تضمین کنند. در صورت نپرداختن این کشور، پیامدهای آن برای آن‌ها ویرانگر خواهد بود (Mazel, 2022).

چین برای گسترش نفوذ خود در خاورمیانه به‌جای همکاری امنیتی به ابزارهای دیپلماتیک و اقتصادی متکی است. تعامل اقتصادی همچنان مؤثرترین ابزار چین برای گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی است. در سال ۲۰۲۰، تجارت کالا بین چین و خاورمیانه بالغ بر ۲۷۲ میلیارد دلار بود. در حالی

6. China's Belt and Road Initiative

که گردش مالی تجاری آمریکا با عربستان سعودی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ از ۵،۲۰ میلیارد دلار به ۲۴،۸ میلیارد دلار افزایش یافت. در همین زمان گردش مالی تجاری چین با عربستان از ۳ میلیارد دلار به ۶۷ میلیارد دلار افزایش یافت. همچنین چین با ایجاد ظرفیت‌های فناوری نوآورانه می‌تواند خود را به‌عنوان منبع قابل اعتمادتری از فناوری و مقصد سرمایه‌گذاری مطمئن معرفی کند (Pei, 2022). عربستان سعودی، مانند سایر کشورهای حوزه خلیج فارس، همچنان به‌عنوان بازار جایگزین برای فناوری‌های چینی عمل می‌کند، مانند بازارهای شرکت مخابراتی هوآوی که زیرساخت‌های جی ۵ آن توسط غرب به دلیل نگرانی‌های امنیتی سایبری کنار گذاشته شده است. سیستم ناوبری ماهواره‌ای Beidou چین که رقیب جی‌پی‌اس آمریکاست، علاوه بر جذب در آسیا و آفریقا، زمینه‌های آزمایشی را در خاورمیانه نیز پیدا کرده است (Feng, 2023).

چین ترجیح می‌دهد مستقیماً با نیروی نظامی خود در درگیری‌های منطقه‌ای موجود مداخله نکند. این امر براساس اصل سیاست خارجی «نرم» و مطابق با رویکرد این کشور به مشکلات خاورمیانه است. به همین دلیل، نفوذ چین در منطقه در مقایسه با ایالات متحده به سرعت در حال افزایش است. مدت‌هاست که تأثیرگذاری آمریکا در حل بحران‌های خاورمیانه را به‌طور فزاینده‌ای متحدان منطقه‌ای آن‌ها زیر سوال می‌برند. پکن تقریباً با همه کشورهای خلیج فارس به جز بحرین مشارکت خوبی دارد و بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در منطقه است. امروزه حجم کل سرمایه‌گذاری چین در کشورهای خاورمیانه ۱۷۷ میلیارد دلار است که ۷۰ میلیارد آن در اقتصاد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است. در عین حال، بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها به‌سمت متحدان سنتی ایالات متحده می‌رود. جمهوری خلق چین همچنین در حال سرمایه‌گذاری هنگفتی در بنادر تجاری است. چین تنگه‌های مالاکا و باب‌المنندب را برای بقای اقتصادی خود حیاتی می‌داند، زیرا بیشتر واردات انرژی چین از مسیر این تنگه‌ها انجام می‌شود. پکن با بدتر شدن روابط چین و آمریکا، به دنبال افزایش کنترل بر این آبراه‌ها و کاهش توانایی نیروی دریایی ایالات متحده است (Batyuk - Morozov, 2022).

۳-۵. سیاست نظامی و امنیتی چین در خاورمیانه

با افزایش تردید بسیاری از کشورهای عربی در مورد تعهد واشینگتن به امنیت منطقه‌ای، کشورها به‌طور فزاینده‌ای پذیرای تقاضاهای راهبردی چین هستند. «چین نقش خود را به‌عنوان بازیگری راهبردی در خلیج فارس با سیاستی برنامه‌ریزی شده و بهره‌برداری دقیق از شکاف‌های

ایجادشده در اثر تغییرات سیاست خارجی ایالات متحده، افزایش داده است. دولت چین تلاش کرده است علاوه بر واردات انرژی از کشورهای عربی در پی به دست آوردن جایگاهی در بازار تسلیحات منطقه‌ای باشد. سفر اوایل دسامبر ۲۰۲۲ شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین به عربستان سعودی، به دعوت ملک سلمان، نمونه‌ای از بهبود اخیر در روابط چین و اعراب است» (Ozkarasahin, 2022). از آنجایی که چین در دو دهه گذشته گستره جهانی و جاه‌طلبی‌های خود را در جاهای دیگر افزایش داده است، خاورمیانه به عنوان مکان مناسبی برای دیپلماسی چین باقی مانده است. شی، در مطلبی که رسانه‌های سعودی منتشر کردند، اعلام کرد که سفرش «دوران جدیدی را در روابط چین با جهان عرب، کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و با عربستان سعودی آغاز خواهد کرد». ولیعهد سعودی، محمد بن سلمان، اعلام کرد که با این سفر «دوران تاریخی جدیدی» در روابط با چین آغاز شده است (Sharma, 2022).

چین علاوه بر تعمیق نزدیکی سیاسی با کشورهای خاورمیانه هم‌زمان در حال گذار از مبادلات اقتصادی به روابط راهبردی با جهان عرب است. «پهپادهای ساخت چین در حال حاضر در زرادخانه چندین کشور عربی حضور دارند و همکاری‌های فناوری بین پکن و هم‌تایان منطقه‌ای آن به سرعت در حال افزایش است. بارزترین نمونه در این زمینه، لغو قرارداد اف ۳۵ توسط امارات متحده عربی بود که همکاری این کشور با غول فناوری و مخابراتی چینی هوآوی را در زمینه فناوری جی ۵ محدود می‌کرد. اگرچه پکن به استفاده از سرمایه‌گذاری زیرساختی و اهرم اقتصادی برای افزایش نفوذ خود در خارج از کشور معروف است، روابط چین و اعراب آن قدرها که برخی استدلال می‌کنند فقط معاملاتی نیست. برعکس، آن‌ها بالاترین ارزش راهبردی را دارند. در حال حاضر با مشارکت‌های مهم در زمینه‌های فناوری و انتقال تسلیحات، نفوذ چین در منطقه گسترده‌تر از آن چیزی است که بسیاری تصور می‌کنند. در حالی که چین روابط خود را با متحدان نزدیک ایالات متحده بهبود می‌بخشد، واشینگتن با دو خطر زود هنگام مواجه است: خطر اول اقتصادی و خطر دوم راهبردی است. خطر اقتصادی این است که واشینگتن در حال ازدست دادن سودآورترین بازار تسلیحات به بزرگ‌ترین رقیب خود است. خطر دوم به ژئوپلیتیک مربوط می‌شود و پیامدهای راهبردی دارد. چین در حالی که بازار رو به رشد تسلیحات را با جایگزین‌هایی برای تأمین‌کنندگان غربی پر می‌کند، در پی گسترش روابط راهبردی با کشورهای پیشرو عربی است که می‌تواند توازن قدرت را به نفع این کشور دگرگون کند» (Ozkarasahin, 2022).

دو کشور چین و عربستان در سال ۱۹۹۰ رسماً روابط دیپلماتیک برقرار کردند.، روابط رسمی پیش‌تر با همکاری دفاعی در دهه ۱۹۸۰ از جمله فروش موشک‌های بالستیک میان‌برد دانگ فنگ-۳ آغاز شده بود. ولی تعداد معاملات تسلیحاتی پس از سال ۲۰۱۴ افزایش یافت، زیرا روابط ایالات متحده و عربستان به دنبال بحران نفت اوپک پلاس و قتل جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار سعودی تیره شد. چین پیش‌نویس سند سیاست عربی خود را در ژانویه ۲۰۱۶ تهیه کرد که هدف آن تقویت گفت‌وگو و همکاری بین پکن و کشورهای خاورمیانه بود. اندکی پس از آن، عربستان سعودی و چین یک برنامه پنج‌ساله برای یک توافق‌نامه امنیتی تقویت شده را اعلام کردند. این طرح با حمایت ۱۷ توافق‌نامه سطح بالا، شامل مشارکت در زمینه علم و فناوری و همچنین همکاری ضد تروریسم و مانورهای نظامی مشترک همراه بود. فروش موشک‌های بالستیک چین به عربستان سعودی چیز جدیدی نیست و به بیش از سه دهه یعنی به سال ۱۹۸۷ باز می‌گردد، زمانی که قراردادی برای موشک‌های دانگ فنگ-۳ برد ۳۰۰۰ کیلومتری امضا شد. در سال ۲۰۰۷، عربستان سعودی راه حل‌های چینی دیگری را برای گسترش زرادخانه موشک‌های بالستیک خود انتخاب کرد. موشک‌های دی اف ۲ یکی از نمونه‌های بارز آن هستند. ریاض موشک‌های چینی را در یک رژه نظامی ملی به نمایش گذاشت که بسیاری از تحلیلگران آن را پیامی سیاسی برای ایالات متحده می‌دانستند.

توسعه برنامه موشکی بالستیک بومی ریاض، خطرات زیادی را به همراه دارد که با تشدید معضل امنیتی بین عربستان سعودی و ایران، منطقه را بی‌ثبات‌تر می‌کند و می‌تواند به یک مسابقه تسلیحاتی کنترل‌نشده در منطقه دامن بزند. پکن با تعمیق روابط خود با ریاض، به‌طور فزاینده‌ای برای حفظ تعادل در راهبرد خاورمیانه خود تلاش خواهد کرد. چنین طرحی که با نفوذ چین طراحی شده است، برای درک تهدیدات منطقه‌ای پیامدهایی خواهد داشت. این کشور به چین اجازه می‌دهد تا ردپای راهبردی و نظامی خود را در منطقه، با معرفی خود به‌عنوان جایگزینی معتبر و قابل اعتماد برای غرب، عمیق‌تر کند. همچنین در صورت دستیابی به کلاهک هسته‌ای، مسیر سعودی را به سمت توانایی حمله هسته‌ای بالقوه کوتاه می‌کند، زیرا چندین موشک بالستیک چینی با کاربرد دوگانه توانایی حمل محموله‌های هسته‌ای را دارند (Ozkarasahin, 2022).

در مورد خرید تسلیحات متعارف، ایران به‌عنوان یکی از خریداران از چین بود، ولی چین در فروش تسلیحات از چین با مشکل روبه‌رو است: نخست اینکه دولت چین نسبت به خطر احتمالی ایران برای ثبات و امنیت منطقه‌ای نگران است و همچنین همواره در موضع فروش

تسلیمات به ایران با فشار آمریکا روبه‌رو است. اما استفاده از منابع نفتی ایران و گرایش ایران به استفاده از بازار تسلیحاتی چین، این کشور را راغب کرده است با وجود تحریم‌های مالی آمریکا تاحدی در تجهیز ایران مؤثر باشد و فروش موشک‌های کروز و موشک‌های که توانایی حمل کلاهک غیرهسته‌ای داشته‌اند، از جمله این موارد بوده‌اند (Bozormehri, 2019: 22).

۴-۵. تلاش چین برای ایجاد نظم جدید در خاورمیانه

ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۱ ایران و عربستان سعودی را به منظور کاهش تنش، پیشبرد مذاکرات هسته‌ای و پایان دادن به درگیری در یمن تشویق کرده بود تا گفت‌وگوها را آغاز کنند. تهران و ریاض پنج دور گفت‌وگوی مستقیم داشتند و گفت‌وگوهای غیررسمی پس از آن ادامه یافت. سپس جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در جریان سفر خود به عربستان سعودی در ژوئیه ۲۰۲۲، از شورای همکاری خلیج فارس خواست با اسرائیل برای مهار ایران بیوندند. اما دولت عربستان سعودی به جای آن به چین روی آورد و رئیس‌جمهور شی جین پینگ را میانجی بهتری برای تهران می‌دید. سعودی‌ها معتقد بودند که مشارکت چین مطمئن‌ترین تضمین برای دوام توافق با ایران است، زیرا بعید است تهران با نقض چنین توافقی روابط خود با پکن را به خطر بیندازد (Fantappie - Nasr, 2023).

چین در سال ۲۰۲۳ به‌عنوان بازیگری صلح‌ساز در منطقه خاورمیانه نقش داشته است. «چین با ایفای این نقش، برای پایان دادن به چندین سال تنش بین عربستان و ایران میانجیگری کرد. این امر مهم‌ترین پیشرفت منطقه‌ای از زمان توافق آبراهام محسوب می‌شود. توافق عادی‌سازی که بین ریاض و تهران امضا شد نه تنها به دلیل پیامدهای مثبت بالقوه آن در منطقه از لبنان و سوریه گرفته تا عراق و یمن، بلکه به دلیل نقش رهبری چین و نبود ایالات متحده در دیپلماسی قابل توجه است» (parsi Aljabri, 2023).

توافق ایران و عربستان با میانجیگری و جاه‌طلبی‌های جهانی چین، پتانسیل تغییر نظم خاورمیانه و جایگزینی شکاف کنونی اعراب و ایران با شبکه پیچیده روابط درهم تنیده بین آن‌ها دارد. برای پکن، این اعلامیه جهشی بزرگ در رقابت با واشینگتن بود. این توافق در هنگامه عقب‌نشینی ایالات متحده از خاورمیانه، پیروزی دیپلماتیک برای چین است، زیرا به‌طور فزاینده‌ای به دنبال ارائه دیدگاهی جایگزین برای نظم جهانی به رهبری ایالات متحده است. چین می‌خواهد که خود را به‌عنوان رهبر نظم چندجانبه در حال ظهور و یک قدرت بزرگ و

مسئول معرفی کند. پکن امیدوار است که جامعه بین‌المللی به نقش این کشور در توافق ایران و عربستان به‌عنوان نمونه‌ای از نفوذ و توانایی برای رهبری جهان نگاه کند.

تهران از تعمیق نقش چین در خاورمیانه استقبال می‌کند، زیرا این امر نفوذ آمریکا در منطقه و رژیم تحریم‌های تحت رهبری ایالات متحده را تضعیف می‌کند. برای این منظور، روابط بهتر با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، تهدید ناشی از توافق نامه آبراهام با میانجیگری دولت ترامپ را کاهش خواهد داد. همگرایی منافع راهبردی گسترده‌تر چین، ایران و عربستان سعودی نشان می‌دهد که پیشرفت پکن با ایران و عربستان سعودی احتمالاً به‌عنوان اساس یک واقعیت ژئوپلیتیکی جدید در خاورمیانه عمل می‌کند. این دگرگونی، چالشی تاریخی برای ایالات متحده آمریکا است.

۶. نتیجه

رقابت آمریکا و چین در مناطق مختلف جهان از جمله در خاورمیانه و به‌ویژه در خلیج فارس در جریان است. ایالات متحده آمریکا به تدریج در حال از دست دادن مواضع نظامی و سیاسی غالب خود در منطقه خاورمیانه است. این کشور مجبور شد «تغییر رژیم» خشونت‌آمیز را کنار بگذارد، از طرح‌های دموکراتیزه کردن کشورها چشم‌پوشد و از شعار حقوق بشری در قبال کشورهای عربی به‌ویژه عربستان صرف نظر کند. به بیانی، راهبرد خاورمیانه‌ای آمریکا در حال تغییر تدریجی است. ایالات متحده به‌طور فزاینده‌ای در مورد نفوذ اقتصادی و راهبرد چین در خاورمیانه نگران شده است. به همین دلیل، بایدن در پی ترمیم روابط آمریکا با متحدان سنتی در خلیج فارس و بازتعریف خطوط همکاری منطقه‌ای با کشورهای منطقه است و در پی ارائه تضمین‌ها و حمایت‌های منطقه‌ای است، اما در ارائه جایگزین برای مقابله با چین مؤثر نبوده است. راهبرد جهانی چین چشم‌انداز بلندمدت روشنی برای غرب آسیا دارد. بخشی از منطق چین برای افزایش حضور در غرب آسیا، رهایی از سیاست مهار آمریکا است. با این راهبرد، چین به شریک تجاری بیشتر کشورهای غرب آسیا، حتی عربستان سعودی تبدیل شده است.

چین مدام در حال گسترش نفوذ خود در خاورمیانه است و از اقتصاد، سرمایه‌گذاری و دیپلماسی برای این منظور استفاده می‌کند. چین با توجه به توانایی‌اش در دادن وام و توسعه همکاری‌های اقتصادی، از مزایای جدی در خاورمیانه برخوردار است و به‌عنوان شریک مطلوب کشورهای منطقه عمل می‌کند. پکن منطقه خاورمیانه را یکی از مؤلفه‌های مهم اجرای طرح

جهانی یک کمر بند و یک راه می‌داند. بسیاری از کشورهای عربی، چین را نه تنها شریکی قابل اعتماد، بلکه نیرویی در نظر می‌گیرند که توانایی ایجاد تعادل بین حضور آمریکا در خاورمیانه را دارد. با وجود تلاش‌های چین برای گسترش حضور خود در منطقه، در کوتاه‌مدت نمی‌تواند به‌طور کامل جایگزین ایالات متحده به‌عنوان متحد اصلی برای کشورهای عربی خلیج فارس شود. در نتیجه این کشورها همچنان به «چتر امنیتی» آمریکایی متکی خواهند بود تا از آن‌ها در برابر خطرات و تهدیدات خارجی و داخلی محافظت کنند. در حالی که چین به‌طور انکارناپذیری در حال افزایش نفوذ در هر دو حوزه سیاسی و اقتصادی است، سیاست این کشور بر اصل مداخله‌نکردن بنا شده است. به‌نظر می‌رسد چین تمام تلاش خود را برای دخالت‌نکردن در درگیری‌های محلی و اجتناب از برخورد با ایالات متحده ادامه خواهد داد. اصل راهنمای روابط خارجی چین بر عدم اتحاد، عدم رویارویی و عدم تعهد مبتنی است. یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که چین در خاورمیانه در پی شکل‌دادن به اتحادها یا ائتلاف‌های مقابله‌جویانه با آمریکا است. همچنین خاورمیانه نسبت به مناطق نزدیک‌تر مانند دریای چین جنوبی سود راهبردی کمتری برای چین دارد. این کشور با سرمایه‌گذاری راهبردی در زیرساخت‌های اصلی، به شریک اصلی اقتصادی کشورهای خاورمیانه تبدیل شده است. چین و ایالات متحده آمریکا در حال رقابت برای افزایش نفوذ و قدرت در خاورمیانه هستند.

References

- Abb, Pascal (2023): China's New Global Security Initiative. A rising power spreads its wings, PRIF Spotlight 2/2023, Frankfurt/M, doi: 10.48809/prif-spot2302.
- Aboudouh Ahmed (2022), Biden's Middle East trip focuses on the region. But China is the elephant in the room, <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/bidens-middle-east-trip-focuses-on-the-region-but-china-is-the-elephant-in-the-room/>
- Batyuk V.I – Morozov Yu.V.(2022), Politics and Strategy of the United States, the Russian Federation, and China in the Middle East, <https://link.springer.com/article/10.1134/S1019331622100021>
- Bozormehri Majid (2019), Consequences of China's military and strategic presence in the Persian Gulf, Political and International Research Quarterly, Vol. 31, Summer, pp. 1-30 [In Persian].
- Burkhart, Daniel, and Alison Woody,(2017), "Strategic Competition: Beyond Peace and War," Joint Force Quarterly, Vol. 86, No. 3, 2017.
- Ebrahimi Shahrouz- Rezaei Fatemeh (2013), China's Middle East policy and competition with} America, Middle East Studies Quarterly, 19th year, Vol. 4. Winter. pp. 171-190. [In Persian].
- Farahmand Mohammadreza et al. (1400), the hegemonic competition between America and China and its impact on the flow of energy and oil in the world", International Studies Quarterly, Volume 14. Sh. 69. pp. 103-120 [In Persian].
- Fantappie Maria - Nasr Vali (2023), A New Order in the Middle East? Iran and Saudi Arabia's Rapprochement Could Transform the Region, <https://www.foreignaffairs.com/china/iran-saudi-arabia-middle-east-relations>
- Feng John (2023), China Makes Moves in Middle East after Biden's Frosty Reception, <https://www.newsweek.com/china-saudi-arabia-gulf-middle-east-us-relations-economics-security-1768304>

Forough Mohammadbagher(2022), Biden's Middle East Policy Contradicts His China Policy, <https://thediplomat.com/2022/07/bidens-middle-east-policy-contradicts-his-china-policy/>

Mazel Zvi (2022), China's growing economic impact on the Middle East, <https://www.gisreportsonline.com/r/china-middle-east/>

Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China (2023), The Global Security Initiative Concept Paper, https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjbxw/202302/t20230221_11028348.html

Mearsheimer John, (2001), The Tragedy of Great Power Politics, New York. W. Norton.

Mazarr Michael (2022), Understanding Competition Great Power Rivalry in a Changing International Order Concepts and Theories, <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PEA1404-1.html>

McDonald Lt ColScott D(2020)), Strategic Competition?, <https://media.defense.gov/2020/Nov/23/2002540364/-1/-1/1/MCDONALD.PDF>

Pei Minxin (2022), How the US Can Counter China's Middle-East Influence, <https://www.project-syndicate.org/commentary/biden-trip-to-middle-east-counter-china-influence-by-minxin-pei-2022-06/>

Parsi Trita - Aljabri Khalid(2023), How China Became a Peacemaker in the Middle East, Washington's Missteps Paved the Way for Beijing's Saudi-Iranian Deal, <https://www.foreignaffairs.com/china-became-peacemaker-middle-east>

Kuperwasser Yossi (2021), President Biden's Middle East Policy, <https://fathomjournal.org/president-bidens-middle-east-policy/>

Ghafarzadeh Mehrshad, Amiri Mehdi, Shabanzadeh Iman. (1401) China's strategic partnership diplomacy and its approach to West Asia, Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, doi: 5FASIW/10.22034/Fourth year, fourteenth issue, winter 1401.

Ozkarasahin Sine(2022), China Makes a Move in the Middle East: How Far Will Sino-Arab Strategic Rapprochement Go?, <https://jamestown.org/program/china-makes-a-move-in-the-middle-east-how-far-will-sino-arab-strategic-rapprochement-go/>

Rozsa Erzsebet (2022), China's Interests in the Middle East and North Africa, <https://www.iemed.org/publication/chinas-interests-in-the-middle-east-and-north-africa/>

US Strategy Security National (NSS)(2022), <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2022/10/Biden-Harris-Administrations-National-Security-Strategy-10.2022.pdf>

Sameer Shaarif (2023), Opinion – China's Saudi-Iran Deal and Omens for US Regional Influence, <https://www.e-ir.info/2023/03/16/opinion-chinas-saudi-iran-deal-and-omens-for-us-regional-influence/>

Sharma Dave (2022), A step-up for China's involvement in the Middle East, <https://www.lowyinstitute.org/the-interpretor/step-china-s-involvement-middle-east>

Sharafkhani Majid et al. (1401), China's economic strategy in the hegemonic competition with America in the Middle East, Strategic Policy Research Quarterly, Volume 11, Vol. 40, Ardibehesht, pp. 106-67. [In Persian].

Tajik Hadi (1401), A Comparative Study of the Foreign Policy of the Obama, Trump and Biden Administrations towards the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World,, 4th year, 11th issue, spring 1401.pp.37-9. [In Persian].

The United States Senate Republican Policy (2022), BIDEN MISSTEPS IN THE MIDDLE EAST ARE CHINA'S AND RUSSIA'S GAIN,

<https://www.rpc.senate.gov/policy-papers/biden-missteps-in-the-middle-east-are-chinas-and-russias-gain>

Toosi Nahai_ Kine Phelim (2023), U.S. officials project calm as China stuns world with Iran-Saudi deal, <https://www.politico.com/news/2023/03/13/china-middle-east-deal-00086888>

Vakil Sanam (2022), Biden's Middle East trip shows the long game is his aim, <https://www.chathamhouse.org/2022/07/bidens-middle-east-trip-shows-long-game-his-aim>